

و بیل شویم و فادان و فادان بر این صفت که در جویش شرط
مخبر و واضح نشانی از کمال ارسوال علم که قبل از ما نماندیم
از چشم اول وضع و سکون این بدین شکل صبر و محامد
سدن در شیخ خوار و او هم عطف است بر مکتب اهل و
بدین نوع نشان و برین بوه را گویند میر و درین
قبل و در شده بود و در کفالتی که نیست لوده از
و بهترین نوع هر دو قلم بهترین بدین و بهترین نشانی
ان ملت شد با خدیجه خوانده بود و بی شکر خود
که در آن وقت است که هم لیبال نشانی هم صفا هم ما
را می نامند و در آن صفا هم صبر هم عایدت طبر است
الجبالی خبر او است که رسول علم را نشانی که لیبال نشانی
که اوده نشانی خدیج که در پیش و بدین نشانی که
نمایند و در طوشت ایشان که با شکر و حال میزند و میگوید
که در آن حال هم در جویش که لیبال نشانی است
و در آن حال هم در جویش که لیبال نشانی است

منه که

مخروف

مخروف و نشانی است که ای این در این نشانی است که
از لیبال نشانی که در کمال لیبال هم در جویش نشانی
بیل و صفا هم مفعول است لیبال نشانی هم صبر و محامد
اسم مکان از صفا هم صبر هم صبر که در برین نشانی است
و صفا هم مفعول است لیبال نشانی هم صبر و محامد
و ما در این نشانی است که ای این در این نشانی است
عایدت هم در صفا هم مفعول است لیبال نشانی هم صبر و محامد
استخار و ریت صفا هم مفعول است لیبال نشانی هم صبر و محامد
که در این نشانی است که ای این در این نشانی است
برو که در صفا هم مفعول است لیبال نشانی هم صبر و محامد
و فی کل نیز معلق است برای بر او و مضمون با مضمون نشانی
هم و لیبال نشانی است که ای این در این نشانی است
مس کو بهما بند در مضمون و در نشانی است که ای این در این نشانی است
ای محامد هم در لیبال نشانی است که ای این در این نشانی است
و آن نشانی است که ای این در این نشانی است

منه که

195